

۲۰اسفند، بیست و نهمین سالروز عملیات بدر

شاهراه‌العماره – بصره‌زیر گام‌های گردان یازهرا

■ علیرضامحمدی

بدر یکی از عملیات‌های بزرگ سالانه کشورمان طی دوران دفاع‌مقدس است که در تداوم‌دستیابی به اهداف عملیات خیبر، در ۲۰اسفند ۱۳۶۳در منطقه هور انجام شد. طول مدت این عملیات تنها شش روز بود و به‌خاطر عدم‌دستیابی به اهداف اصلی، یعنی تصرف جساده‌العماره –بصره، فرماندهان از تداوم فشار بر خطوط دشمن دست کشیدند. از بدر خیلی گفته نشده، شاید به‌خاطر عدم‌افتح در بخشی از این عملیات یا اینکه سایه عملیات‌های موفق خیبر و الفجر هشت به‌ترتیب در زمستان‌های ۶۲و ۶۴روی آن سنگینی می‌کند. اما در این عملیات سه گردان از لشکرهای ۳۱ عاشورا، ۴۸فتح و ۴۴قمرینی‌هاشم(ع) توانستند خود را به جاده‌العماره –بصره برسانند که حرکت متهورانه این سه گردان حماسه‌ای جاودان را در تاریخ دفاع‌مقدس خلق کرد. گردان‌الزهر(اس) به فرماندهی حاج‌محمد کیانی یکی از این سه گردان بود که به‌عنوان طلا‌به‌داران رزمندگان ایرانی بر روی جاده‌العماره –بصره قرار گرفتند. کیانی که خاطرات سال‌ها حضور خود در دفاع‌مقدس را در کتاب‌های فرار به‌پشت، غبارعشق و جمعه‌علی به رشته‌تحریر درآورده‌است، در گفت‌وگو با «جوان» از جولان رزمندگان گمنام چهارمحال و بختیاری روی شریان حیاتی رزب‌بعثی عراق، یعنی جاده‌العماره –بصره می‌گوید.

■ ■ ■

برای شروع از خودتان بگویید، چطور وارد بحث جبهه‌وجنگ شدید؟

من در یکی از روستاهای نزدیک شهرکرد از استان چهارمحال و بختیاری به دنیا آمدم و دقیقاًهفت روز از شروع جنگ گذشته بود که به‌همراه شهید ترکی و ۱۳ نفر دیگر به‌عنوان اولین گروه‌اعزامی از منطقه‌مان به جبهه رفتیم و وارد شهر شوش شدیم. به‌همین ترتیب در جبهه ماندگار شدم و در عملیات‌های متعدد ولشکرهای مختلفی چون ۱۴ امام حسین(ع)، ۲۵ کربلاو ۸نجف حضور داشتم و سمت‌های مختلفی از مسئول دسته گرفته تا فرمانده گروهان را عهده‌دار بودم. در تاریخ ۱۳/ ۱۰/ ۶۲که به‌تیب ۴۴قمر بنی‌هاشم که تیپیی مستقل از استان خودمان چهارمحال و بختیاری بود رفتم و در همین تیپ هم به فرماندهی گردان یازهر(اس) انتخاب‌شدم. در عملیات‌های خیبر و بدر در گردان یازهر(اس) بودم.

عملیات بدر در تداوم اهداف عملیات خیبر بود، قبل از اینکه به بدر بپردازیم از خیبر بگویید.

بند در خیبر نیز فرمانده گردان یازهر(اس) بودم. در این عملیات قرار شد تیپ ۴۴و تیپ امام رضا(ع) از منطقه روطه وارد عمل شوند. لذا دو گردان از بچه‌های امام رضا(ع) و همین‌طور گردان ما به این منطقه رفتیم و با دشمن درگیر شدیم. برای رسیدن به این منطقه ما ۴۴کیلومتر

بدر

وقتی گردان یاز هرا(اس) به جاده و رسید، دو گردان دیگر با کمی تأخیر به‌ما رسیدند و در همین یکی دوساعت دشمن آن قدر آتش بر سر ما ریخت که تقریباً یک‌سوم گردان شهید یا مجروح شدند. حدود ۳۰۰نفر بودیم که ۳۵ شهید و ۷۰الی ۸۰مجروح دادیم. زمانی که بچه‌های فتح و عاشورا به جاده رسیدند، آنها هم نتوانستند کاری از پیش ببرند و تلفات زیادی دادند. طبیعی بود که این تعداد از نیروها نتوانند در محشر جاده‌العماره –بصره بیش از این مقاومت کنند

در آب پیش رفتیم و جزایر شمالی و جنوبی را به شکل یک نیم‌دایره دور زدیم. این حرکت واقعاًمتهورانه بود به‌طوری که همان زمان آقای هاشمی گفته بود: «ما یک سری افراد زنده را به عمق دشمن فرستادیم». هشت روز در روطه ماندیم و از آنجایی که باقی رزمندگان از طلا‌تیه و مجنون وارد عمل شده بودند، دشمن واقعاًگیج شده بود که فشار اصلی رزمندگان از کدام منطقه است. در خیبر نیز گردان یازهر(اس) از جمله نیرو‌هایی بود که به جاده‌العماره –بصره رسید، اما نتوانستیم در آنجا استقرار یابیم و عملیات با تصرف جزایر مجنون شمالی و جنوبی تثبیت شد.

قاعدتا بعضی‌ها در عملیات خیبر متوجه توجه ما به منطقه هور شده بودند، با وجود هوشیاری دشمن چرا عملیات بدر باز در همین منطقه انجام شد؟

این منطقه به‌لحاظ استراتژیک اهمیت زیادی داشت. در خیبر ما تلاش کردیم تا به جاده‌العماره –بصره برسیم. چنان‌حین این جاده منطقه هور و رو رود دجله و فرات بود بنابراین با تصرف آن می‌شود این‌طور گفت که ارتباط جنوب و شمال عراق قطع می‌شود. این یک هدف مهم بود که چون در خیبر محقق نشد، ما در بدر نیز تلاش‌مان را کردیم که به آن دست یابیم. البته این را هم بگویم که در بدر به دلیل تصرف جزایر مجنون ما یک جای پا داشتیم و به‌اصطلاح به هدف اصلی‌مان نزدیک‌تر بودیم.

ببرازانیم به عملیات بدر، به عنوان یک فرمانده گردان از چه زمانی در جریان این عملیات قرار گرفتید؟

ما حدوداً از ۴۰، ۴۰۰روز قبل عملیات شناسایی را انجام

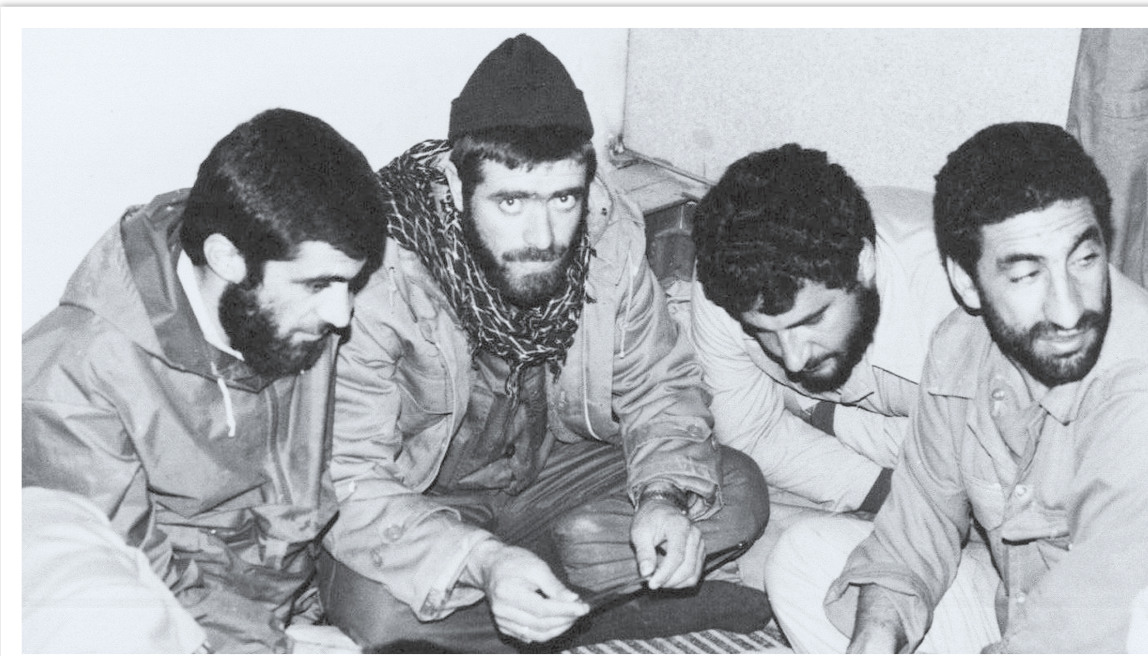
می‌دادیم. فاصله‌مان از خط دشمن ۱۳کیلومتر بود که تا حدود ۱۲کیلومتر را باقیق می‌رفتیم اما بعد از آن به دلیل نزدیکی دشمن و اشراف آنها، با کمترین سروصدا و با بلم به بدر، تعداد پاسگاه‌ها و نیروهای جیش‌الشعبی‌اش را زیاد کرده بود، اما ما هم راه‌های نفوذ را جست‌وجو می‌کردیم تا اینکه رفته‌رفته عملیات شناسایی کامل شد.

با شروع عملیات از کدام محور وارد عمل شدید؟

ما باز هم مثل عملیات خیبر از منطقه روطه وارد عمل شدیم. با این تفاوت که در خیبر از محور سمت چپ رطه وارد شدیم اما در بدر به محور سمت راست آن رفتیم، سه گردان بودیم که به این منطقه مأمور شدیم. گردان یازهر(اس) از تیپ ۴۴قمر بنی‌هاشم(ع)، یک گردان از تیپ فتح یاسوج و یک گردان از لشکر ۳۱عاشورا که خود شهید مهدی باکری فرمانده لشکر نیز در این گردان حضور داشت و همان ماجرای معروف شهادتش نیز در همین جارقم خورد. در مرحله اول ما همان شب عملیات به منطقه رطه رسیدیم، در مرحله دوم از دجله عبور کردیم و تقریباً سه روز بعد در آغازین ساعات پامداد ۲۳از ۲۴اسفند ۱۳۶۳بود که گردان یازهر(اس) به‌عنوان اولین نیرو‌های ایرانی به جاده‌العماره –بصره رسید.

وقتی به جاده رسیدید، با وجود حساسیتی که این منطقه برای دشمن داشت چه واکنشی نشان داد؟

وقتی گردان یازهر(اس) به جاده رسید، دو گردان



■ در سمت راست، شهید شاهمراد، حاج‌عباس پیکار، حاج محمد کیانی و غلامعلی جیدری

دیگر با کمی تأخیر به‌ما رسیدند و در همین یکی دو ساعت دشمن آن قدر آتش بر سر ما ریخت که تقریباً یک‌سوم گردان شهید یا مجروح شدند. حدود ۳۰۰نفر بودیم که ۳۵ شهید و ۷۰الی ۸۰مجروح دادیم. زمانی که بچه‌های فتح و عاشورا به جاده رسیدند، آنها هم نتوانستند کاری از پیش ببرند و تلفات زیادی دادند. طبیعی بود که این تعداد از نیروها نتوانند در محشر جاده‌العماره –بصره بیش از این مقاومت کنند. در یک عملیات باید همه اجزا و نیروها هماهنگ به اهدافشان برسند که موقعیتی به تثبیت برسد، اما به دلیل آنکه برخی از نیروها نتوانسته بودند به اهدافشان برسند، ماندن ما هم در این نقطه بی‌فایده بود و کمی بعد دستور عقب‌نشینی صادر شد. خود من دو گلوله دوشسکا به‌رو دو پایم خورده بود و وقتی که بچه‌های گردان از دجله عبور کردند، همچنان در منطقه بودم. خدایامرزد شهید شاهمراد معاون تیپ ۴۴را که تعدادی را برای بازگرداندن من فرستاده بود، از طریق بی‌سیم می‌پرسید شما کیجا هستید، من می‌گفتم بین دو تانکی که در حال سوختن است. او می‌گفت اینجا تانک‌های زیادی می‌سوزند، اما من که نمی‌توانستم روی پایم بایستم تنها دو تانکی را می‌دیدم که بین شان قرار داشت. به‌حال بچه‌ها مرا یافتند و چون برانکاردی نبود، مرا روی در یکی از خانه‌های سازمانی که آن اطراف قرار داشت گذاشتند و به عقب آوردند. یادم است در حین راه این در شکست و من به‌زمین افتادم اما بالاخره توانستیم به عقب برگردیم، در حالی که جسم مطهر شهدای گردان یازهر(اس) در منطقه جا ماند.

شنیده‌ایم بچه‌های تیپ ۴۴در بدر با یک عملیات متهورانه پل جوئیر را منهدم کرده بودند، برای حسن ختام خوب است از این حماسه بگویید.

پل جوئیر روی دجله قرار داشت که اگر منهدم می‌شد، نیروهای دشمن که در خشکی پس از هور قرار داشتند به محاصره می‌افتادند.

برای انفجار این پل یک گروه حدوداً ۲۰نفره از بچه‌های تیپ ۴۴به فرماندهی شهید مرتضی اسماعیل‌زاده انتخاب شدند. این بچه‌ها در اولین شب عملیات بدر به‌طور مخفیانه و از بین قوای دشمن خودشان را به پل رسانده و آن را منفجر کردند.

وقتی خیبر تخریب پل به‌فرماندهی داده شد، آنها باور نمی‌کردند که گروه شهید اسماعیل‌زاده توانسته باشد چنین کاری بکند. اما این امر غیرممکن با توکل و توسط رزمندگان انجام گرفته و پل جوئیر از روی نقشه‌ها محو شده بود.

■ **از راست به چپ**

■ ۱-کنایه از بازیگری و شیرین‌زبانی دیگران را فریفتن و به آنان آزار یا زیان رساندن ■ ۲-واحد طول روسی -په‌بود یافتن زخم -بهره ■ ۳-بالا آمدن آب دریا- طولانی‌ترین رشته کوه دنیا- یکصدم متر- صدویازده ■ ۴-سوره زنان- مژه فلفل-در مثل غنیمت است- بیماری جذام ■ ۵-قاضی ناعادل -نیات- عمامه ■ ۶-هست آذری- رودی در چین- همراه تام یکی از شاهکارهای مارک تواین است ■ ۷-فرار حیوان -بازنده شطرنج-خارپشت بزرگ تیرانداز- نام قدیم یزد ■ ۸-پهلوان -مر تفع‌ترین کوه‌های زمین یا به‌طور عامیانه بام دنیا- آغوش ■ ۹-لخت -بانو- مرد بی‌زن -به دنیا آوردن ■ ۱۰-نام پرند‌های است- گشوده- اسب چاپار ■ ۱۱-چاره و علاج- داخل سلول -پست و فرومایه ■ ۱۲-نوعی اسباب‌بازی کودکان- کار ناتمام- انگشت ابهام- ضربه‌ای در تنیس ■ ۱۳-گنج-وسيله حمل بار در قدیم- وصل‌کننده مبدأ به مقصد -سوی و طرف ■ ۱۴- سفید آذری -خواهر جمشید در شاهنامه و همسر ضحاک -محنت و سختی ■ ۱۵- تیمی مطرح در فوتبال اسپانیا

■ **از بالا به پایین**

■ ۱- از رودهای مهم خوزستان -هوادر دگرگونی بنیادی در اصول، روش‌ها یا ساختار ■ ۲- خوردنی بعد از غذا- از نمازهای واجب- گرمی بازار ■ ۳-قلب دوم- نام حوا در فرهنگ زبان انگلیسی - پاکیزه ■ ۴-شهر مازنی- اسمی که بر اشیای همجنس دلالت می‌کند- نام قدیم مشکین‌شهر -اسب تیریزی ■ ۵-تفت در بای شمال -از تیم‌های فوتبال لیگ برتر- دختر انگلیسی ■ ۶-آلت شالی کوبی- از بنیانگذاران جنبش عدم تعهد- فیلسوف آلمانی واضع نقد عقل محض ■ ۷- پسوند شباهت- دشمن فرشته- ترک استخوان -کاشف گردش خون ■ ۸-درست‌شدن کارها در اصطلاح عامیانه- از سیارات منظومه شمسی -نوعی هواپیما ■ ۹- معبد مشرکان -خاندان- از عناصر اربعه- نوعی بازی محلی ■ ۱۰- ضرباهنگ- گوشت گیاهی- پیخ ■ ۱۱- سخن بپه‌وده- مال و اموال- ستاره ■ ۱۲- نفس- مهد تمدن- از بخشش کم نمی‌شود- جگرخوار بنی‌امیه ■ ۱۳- هنر پیشه- در زورخانه می‌گیرند- پارگی جامه و لباس ■ ۱۴-اکنون- سلاح رستم- گربه‌ساز تیزرو ■ ۱۵- راهپیمایی سیاسی- مسابقات جهانی در هر یک از رشته‌های علمی که هر سال برگزار می‌شود

هر روز یک یادمان

معرفی یادمان شلمچه

دیاری با هزاران شهید در خاک خفته

تصرف ارتش بعث باقی ماند تا اینکه به دنبال عملیات کربلای ۵، مواضع دشمنان در این منطقه مرزی توسط نیروهای رزمنده اسلام در هم شکست و شلمچه آزاد شد.

■ **شلمچه و کربلای ۵**

عملیات کربلای ۴ تمام شده بود و هنوز خاطره شهادت بسیاری از بچه‌ها از اذهان نرفته بود که باید رزمندگان و مردم شهید شیرین پیروزی را می‌چشیدند یکی از فرماندهان عملیات کربلای ۵ می‌گوید: تمام جوانب را بررسی کردیم. شناسایی منطقه کار راحتی نبود. محور «شلمچه» از همه محورها مهم‌تر بود. شلمچه دروازه بصره بود. از این نقطه می‌توانستند به دشمن نفوذ کنند. دشمن محکم‌ترین مواضع و موانع را برپا کرده بود. بررسی منطقه وقت می‌برد. دشمن در منطقه آب رها کرده بود. خط اولش، دژ محکمی بود با سنگرهای بتونی. پشت آن تاکت‌ها مستقر بودند و به‌خوبی بر منطقه اشراف داشتند. خط دوم و سوم که کانال بود، خط چهارم‌ش هم پشت نهر دوعیچی بود. خط پنجم هم قرار گاه تاکتیکی دشمن و مرکز عملیات جدید نیست. نیروهای عراقی کم‌کم تویخانه بود و تازه این، همه ماجرا نبود.

۱۹ دی‌ماه ۱۳۶۵، ساعت یک و نیم‌شب، دشمن اینطور استدلال کرده بود که فعلاً ایران بعد از عملیات ناموفق کربلای چهار، قادر به انجام عملیات جدید نیست. نیروهای عراقی کم‌کم به سمت فاو رفته بودند تا در بازپس‌گیری آنجا حضور داشته باشند. اینجا بود که رزمنده‌ها زمان

■ **محدوده جغرافیایی**

منطقه مرزی شلمچه در غرب خرمشهر و نزدیک‌ترین منطقه مرزی به بصره است. شلمچه از شمال به حسینییه، از جنوب به اروندرود، از



را به دست گرفتند. حمله نیمه‌شب بسیجی‌ها در شرق بصره، دشمن را گیج کرده بود. دشمن غافلگیر شده بود. رمز مقدس «یاز هرا(س)» دالت کار خودش را می‌کرد.

شکست‌های متعدد، دشمن را به این نتیجه رسانده بود که به جای حالت تهاجمی، حالت تدافعی بگیرد. به‌همین دلیل، دست به کار شد و در شلمچه، موانع وسیعی به شکل «ن» ساخت که دهانه باز آنها به عرض ۳۰۰ متر به‌طرف ایران قرار داشت. ارتفاع این موانع، به هفت متر می‌رسید. ساخت این نونی‌ها کار را برای مادشوار ساخته بود. تسلطی که عراق از اطراف این گودال به رزمنده‌های ایرانی داشت، امکان هر تحرکی را از آنها می‌گرفت و برای فتح هر یک از این موانع، رزمندگان زیادی شهید شدند. اما بالاخره ایمان و اراده رزمندگان از سد تمامی موانع گذشت.

خیلی‌ها زیر رگبار گلوله فقط هدف را می‌دیدند و پیهانه‌ای برای برگشتن نمی‌آوردند. در شلمچه مهم این بود که رزمندگان سرعت عمل را به دست بگیرند و با تسلط بر این منطقه توانستند برتری خود در جنگ را ثابت کنند.

برای بسیاری از زائران، شلمچه با غروب معنا پیدایی کند و افراد زیادی نذر می‌کنند که هنگام غروب به شلمچه برسند. نجوای غروب شلمچه با بقیه ساعات روز تفاوت بسیاری دارد.

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ تا طوری قرار دهید که

در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه‌درسه فقط یک بار به کار روند

جدول کلمات متقاطع

■ پاسخ جدول شماره ۴۲۰۲

۱۵	۱۲	۱۳	۱۱	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶
۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹
۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲
۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵
۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸
۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱
۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰	۱۰۱	۱۰۲	۱۰۳	۱۰۴
۱۰۵	۱۰۶	۱۰۷	۱۰۸	۱۰۹	۱۱۰	۱۱۱	۱۱۲	۱۱۳	۱۱۴	۱۱۵	۱۱۶	۱۱۷
۱۱۸	۱۱۹	۱۲۰	۱۲۱	۱۲۲	۱۲۳	۱۲۴	۱۲۵	۱۲۶	۱۲۷	۱۲۸	۱۲۹	۱۳۰
۱۳۱	۱۳۲	۱۳۳	۱۳۴	۱۳۵	۱۳۶	۱۳۷	۱۳۸	۱۳۹	۱۴۰	۱۴۱	۱۴۲	۱۴۳
۱۴۵	۱۴۶	۱۴۷	۱۴۸	۱۴۹	۱۵۰	۱۵۱	۱۵۲	۱۵۳	۱۵۴	۱۵۵	۱۵۶	۱۵۷

۷	۵	۷	۸	۶	۱	۸	۵	۸	۶	۱	۸	۵
۱	۵	۸	۷	۶	۵	۸	۷	۶	۵	۸	۷	۶
۶	۸	۵	۷	۱	۸	۷	۶	۵	۸	۷	۶	۵
۸	۷	۶	۵	۸	۷	۶	۵	۸	۷	۶	۵	۸
۵	۸	۷	۶	۵	۸	۷	۶	۵	۸	۷	۶	۵
۱	۵	۸	۷	۶	۵	۸	۷	۶	۵	۸	۷	۶
۶	۸	۵	۷	۱	۸	۷	۶	۵	۸	۷	۶	۵
۸	۷	۶	۵	۸	۷	۶	۵	۸	۷	۶	۵	۸
۵	۸	۷	۶	۵	۸	۷	۶	۵	۸	۷	۶	۵
۱	۵	۸	۷	۶	۵	۸	۷	۶	۵	۸	۷	۶
۶	۸	۵	۷	۱	۸	۷	۶	۵	۸	۷	۶	۵
۸	۷	۶	۵	۸	۷	۶	۵	۸	۷	۶	۵	۸
۵	۸	۷	۶	۵	۸	۷	۶	۵	۸	۷	۶	۵
۱	۵	۸	۷	۶	۵	۸	۷	۶	۵	۸	۷	۶
۶	۸	۵	۷	۱	۸	۷	۶	۵	۸	۷	۶	۵